

بناام خدا

مجموعه ذیل در مورد **وکالت در دعاوی** میباشد

محمد وافی محمدی

تنظیم کننده :

ناشر نسخه الکترونیک

Ketabnak.com

منبع : پلیس ایران

وکالت در دعاوی

ماده ۲۱ :

هر يك از متداعیین مي توانند براي خود حداكثر تا دو نفر وكيل انتخاب و معرفي نمایند.

ماده ۲۲ :

وزارتخانه ها، موسسات دولتي و وابسته به دولت، شرکتهای دولتي، نهادهای انقلاب اسلامي و موسسات عمومي غيردولتي، شهرداریها و بانکها مي توانند علاوه بر استفاده از وکلای دادگستري براي طرح هر گونه دعوا يا دفاع و تعقيب دعاوي مربوط از اداره حقوقي خود يا کارمندان رسمي خود با داشتن يکي از شرايط زير به عنوان نماينده حقوقي استفاده نمایند :

- (۱) دارا بودن ليسانس در رشته حقوق با دو سال سابقه کارآموزي در فاطر حقوقي دستگاههاي مربوط.
 - (۲) دو سال سابقه کار قضايي يا وکالت به شرط عدم محروميت از اشتغال به مشاغل قضاوت يا وکالت.
- تشخيص احراز شرايط يادشده به عهده بالاترين مقام اجرايي سازمان يا قائم مقام قانوني وي خواهد بود. ارائه معرفي نامه نمايندگي حقوقي به مراجع قضايي الزامي است.

ماده ۲۳ :

وکلاي متداعیین بايد داراي شرايطي باشند که به موجب قوانين راجع به وکالت در دادگاهها براي آنان مقرر گرديده است.

ماده ۲۴ :

وکالت ممکن است به موجب سند رسمي يا غير رسمي باشد. در صورت اخير، در مورد وکالت نامه هاي تنظيمي در ايران، وکیل مي تواند ذيل وکالت نامه تاييد کند که وکالت نامه را موکل شخصا در حضور او امضا يا مهر کرده يا انگشت زده است. در صورتي که وکالت در خارج از ايران داده شده باشد بايد به گواهي يکي از مامورين سياسي يا کنسولي جمهوري اسلامي ايران برسد. مرجع گواهي وکالت نامه اشخاص مقيم در کشورهاي فاقد مامور سياسي يا کنسولي ايران به موجب آئين نامه اي خواهد بود که توسط وزارت دادگستري با همکاري وزارت امور خارجه، ظرف مدت سه ماه تهيه و به تصويب رئيس قوه قضائيه خواهد رسيد. اگر وکالت در جلسه دادرسي داده شود، مراتب در صورتجلسه قيد و به امضاي موکل مي رسد و چنانچه موکل در زندان باشد، رئيس زندان يا معاون وي بايد امضا يا اثر انگشت او را تصديق نمايند.

تبصره : در صورتي که موکل امضا، مهر يا اثر انگشت خود را انکار نمايد، دادگاه به اين موضوع نيز رسيدگي خواهد نمود.

ماده ۲۵ :

وکالت در دادگاهها شامل تمام اختيارات راجع به امر دادرسي است جز آنچه را که موکل استثناء کرده يا توکيل در آن خلاف شرع باشد، ليکن در امور زير بايد اختيارات وکیل در وکالت نامه تصريح شود :

- (۱) وکالت راجع به اعتراض به راي، تجديد نظر، فرجام خواهي و اعاده دادرسي.
- (۲) وکالت در مصالحه و سازش.
- (۳) وکالت در ادعای جعل يا انکار و ترديد نسبت به سند طرف و استرداد سند.
- (۴) وکالت در تعيين جاعل.
- (۵) وکالت در ارجاع دعوا به داوري و تعيين داور.
- (۶) وکالت در توکيل.
- (۷) وکالت در تعيين مصدق و کارشناس.
- (۸) وکالت در دعواي خسارت.
- (۹) وکالت در استرداد دادخواست يا دعوا.
- (۱۰) وکالت در جلب شخص ثالث و دفاع از دعواي ثالث.
- (۱۱) وکالت در ورود شخص ثالث و دفاع در قبال آن.
- (۱۲) وکالت در دعواي متقابل و دفاع در قبال آن.
- (۱۳) وکالت در ادعای اعسار.
- (۱۴) وکالت در قبول يا رد سوگند.

تبصره ۱ : اشاره به شماره های یادشده در این ماده بدون ذکر موضوع آن، تصریح محسوب نمی شود.
تبصره ۲ : سوگند، شهادت، اقرار، لعان و ایلاء قابل توکیل نمی باشد.

ماده ۳۶ :

وکیل در دادرسی، در صورتی حق در خواست صدور برگ اجرایی و تعقیب عملیات آن و اخذ محکوم به وجوه ایداعی به نام موکل را خواهد داشت که در وکالت نامه تصریح شده باشد.

ماده ۳۷ :

اگر موکل وکیل خود را عزل نماید، مراتب را باید به دادگاه و وکیل معزول اطلاع دهد. عزل وکیل مانع از جریان دادرسی نخواهد بود. اظهار شفاهی عزل وکیل باید در صورت جلسه قید و به امضای موکل برسد.

ماده ۳۸ :

تا زمانی که عزل وکیل به اطلاع او نرسیده است اقدامات وی در حدود وکالت، همچنین ابلاغهایی که از طرف دادگاه به وکیل می شود موثر در حق موکل خواهد بود، ولی پس از اطلاع دادگاه از عزل وکیل، دیگر او را در امور راجع به دادرسی، وکیل نخواهد شناخت.

ماده ۳۹ :

در صورتی که وکیل استعفاي خود را به دادگاه اطلاع دهد، دادگاه به موکل اخطار میکند که شخصا یا توسط وکیل جدید، دادرسی را تعقیب نماید و دادرسی تا مراجعه موکل یا معرفی وکیل جدید، حداکثر به مدت یک ماه متوقف می گردد. وکیل که دادخواست تقدیم کرده در صورت استعفاء، مکلف است آن را به اطلاع موکل خود برساند و پس از آن موضوع استعفاي وکیل و اخطار رفع نقص توسط دادگاه به موکل ابلاغ می شود، رفع نقص به عهده موکل است.

ماده ۴۰ :

در صورت فوت وکیل یا استعفا یا عزل یا ممنوع شدن یا تعلیق از وکالت یا بازداشت وی چنانچه اخذ توضیحی لازم نباشد، دادرسی به تاخیر نمی افتد و در صورت نیاز به توضیح، دادگاه مراتب را در صورت مجلس قید می کند و با ذکر موارد توضیح به موکل اطلاع می دهد که شخصا یا توسط وکیل جدید در موعد مقرر برای ادای توضیح حاضر شود.

ماده ۴۱ :

وکلاء مکلفند در هنگام محاکمه حضور داشته باشند مگر این که دارای عذر موجهی باشند. جهات زیر عذر موجه محسوب می شود :

- ۱) فوت یکی از بستگان نسبی یا سببی تا درجه اول از طبقه دوم.
 - ۲) ابتلاء به مرضی که مانع از حرکت بوده یا حرکت، مضر تشخیص داده میشود.
 - ۳) حوادث قهری از قبیل سیل و زلزله که مانع از حضور در دادگاه باشد.
 - ۴) وقایع خارج از اختیار وکیل که مانع از حضور وی در دادگاه شود.
- وکیل معذور موظف است عذر خود به طور کتبی با دلایل آن برای جلسه محاکمه به دادگاه ارسال دارد. دادگاه در صورتی به آن ترتیب اثر می دهد که عذر او را موجه بدانند، در غیر اینصورت جریان محاکمه را ادامه داده و مراتب را به مرجع صلاحیتدار برای تعقیب انتظامی وکیل اطلاع خواهد داد. در صورتی که جلسه دادگاه به علت عذر وکیل تجدید شود، دادگاه باید علت آن وقت رسیدگی بعدی دادگاه به موکل اطلاع دهد. در این صورت، جلسه بعدی دادگاه به علت عدم حضور وکیل، تجدید نخواهد شد.

ماده ۴۲ :

در صورتی که وکیل همزمان در دو یا چند دادگاه دعوت شود و جمع بین آنها ممکن نباشد در دادگاهی که حضور او برابر قانون آیین دادرسی کیفری یا سایر قوانین الزامی باشد، حاضر شود و به دادگاههای دیگر لایحه بفرستد و یا در صورت داشتن حق توکیل، وکیل دیگری معرفی نماید.

ماده ۴۳ :

عزل یا استعفاء وکیل یا تعیین وکیل جدید باید در زمانی انجام شود که موجب تجدید جلسه دادگاه نگردد، در غیر اینصورت دادگاه به این علت جلسه را تجدید خواهد کرد.

ماده ۴۴ :

در صورتی که یکی از اصحاب دعوا در دادرسی دو نفر وکیل معرفی کرده و به هیچ یک از آنها به طور منفرد حق اقدام نداده باشد، ارسال لایحه توسط هر دو یا حضور یکی از آنان با وصول لایحه از وکیل دیگر برای رسیدگی دادگاه کافی است و در صورت عدم وصول لایحه از وکیل غایب، دادگاه بدون توجه به اظهارات وکیل حاضر، رسیدگی را ادامه خواهد داد. چنانچه هر دو وکیل یا یکی از آنان عذر موجهی برای عدم حضور اعلام نموده باشد، در صورت ضرورت، جلسه دادرسی تجدید و علت تجدید جلسه و وقت رسیدگی به موکل نیز اطلاع داده میشود. در این صورت جلسه بعدی دادگاه به علت عدم حضور وکیل تجدید نخواهد شد.

ماده ۴۵ :

وکیلی که در وکالت نامه حق اقدام یا حق تعیین وکیل مجاز در دادگاه تجدید نظر و دیوان عالی کشور را داشته باشد، هرگاه پس از صدور رای یا در موقع ابلاغ آن استعفاء و از رویت رای امتناع نماید، باید دادگاه رای را به موکل ابلاغ نماید در این صورت ابتدای مدت تجدید نظر و فرجام، روز ابلاغ به وکیل یادشده محسوب است مگر این که موکل ثابت نماید از استعفاء وکیل بی اطلاع بوده در این صورت ابتدای مدت از روز اطلاع وی محسوب خواهد شد و چنانچه از جهت اقدام وکیل ضرر و زیانی به موکل وارد شود، وکیل مسئول می باشد. در خصوص این ماده، دادخواست تجدید نظر و فرجام وکیل مستعفی قبول میشود و مدیر دفتر دادگاه مکلف است به طور کتبی به موکل اخطار نماید که شخصا اقدام کرده یا وکیل جدید معرفی کند و یا اگر دادخواست ناقص باشد، نقص آن را بر طرف نماید.

ماده ۴۶ :

ابلاغ دادنامه به وکیلی که حق دادرسی در دادگاه بالاتر را ندارد یا برای وکالت در آن دادگاه مجاز نباشد و وکیل در توکیل نیز نباشد، معتبر نخواهد بود.

ماده ۴۷ :

اگر وکیل بعد از ابلاغ رای و قبل از انقضای مهلت تجدید نظر و فرجام خواهی فوت کند یا ممنوع از وکالت شود یا به واسطه قوه قهریه قادر به انجام وظیفه وکالت نباشد، ابتدای مهلت اعتراض از تاریخ ابلاغ به موکل محسوب خواهد شد.

تبصره : در مواردی که طرح دعوا یا دفاع به وسیله وکیل جریان یافته و وکیل یادشده حق وکالت در مرحله بالاتر را دارد کلیه آرای صادره باید به او ابلاغ شود و مبداء مهلت‌های و مواعد از تاریخ ابلاغ به وکیل محسوب می گردد.

این کتاب از وبلاگ میهن کتاب دانلود شده است.
mihanketab.blogfa.com

برای دریافت اطلاعات بیشتر
و آگاهی از جدیدترین کتابهای اضافه شده،
به صفحه فیس بوک میهن کتاب پیوندید.
facebook.com/mihanketab